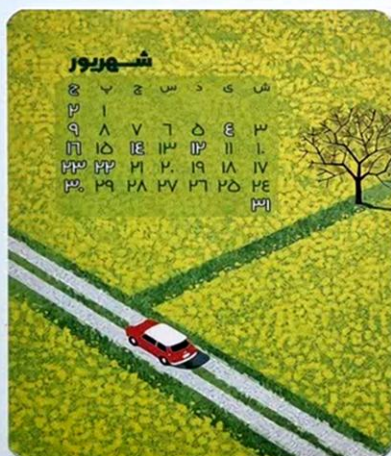


تقویم هفته



« ۲۰ دی ماه شهادت میرزا تقی خان امیرکبیر »

بیستم دی سالروز شهادت میرزا محمدتقی خان فراهانی معروف به «امیرکبیر» یکی از صدر اعظم‌های بزرگ و نامدار دربار ناصرالدین شاه قاجار و بزرگ مرد جاویدان تاریخ ایران است.

میرزا محمدتقی خان فراهانی مشهور به امیرکبیر، در زمان ناصرالدین شاه قاجار از ۲۸ مهر ۱۲۲۷ شمسی تا ۲۲ آبان ۱۲۳۰ صدراعظم ایران بود.

اگرچه دوران نخست وزیری امیرکبیر در دستگاه حکومتی ناصرالدین شاه کمتر از چهار سال بوده اما این رادمرد بزرگ تاریخ، خدمات شایسته و فراوانی به ایران ارایه کرده است که کوتاه کردن دست بیگانگان در امور کشور، ارتقای سطح بهداشت جامعه، تاسیس دارالفنون با هدف نوآوری در آموزش، انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه و ایجاد چاپخانه برای مرسولات پستی از جمله آنهاست.

«میهن پرستی» و «استعمارستیزی» را می‌توان از جمله ویژگی‌های مشهور امیرکبیر بیان کرد چرا که صفت «میهن پرستی» این شخصیت بزرگ و نام‌آور تاریخ سرزمین ایران، زبانزد عام و خاص است.

امیرکبیر شخصیتی «آینده‌نگر» و «تحول‌گرا» نیز بود چون با بهره‌گیری از این خصلت‌ها، تصمیم‌های بزرگ و بسیار خوبی برای میهن می‌گرفت، زندگی این انسان وارسته مملو از عبرت‌ها، نکته‌ها و درس‌های حایز اهمیت برای الگوگیری مدیریت در کشور است.

امیرکبیر سال ۱۱۸۶ در روستای هزازه اراک متولد و ۲۰ دی ۱۲۳۰ در حمام باغ تاریخی فین کاشان کشته شد و در حرم مطهر حضرت امام حسین (ع) در کربلا به خاک سپرده شد.

« ۲۱ دی ماه روز ملی گروه‌های خونی نادر »

به واسطه اهمیتی که گروه‌های خونی نادر در جهان و به تبع آن ایران دارد، ۲۱ دی‌ماه روز ملی «گروه‌های خونی» نادر نام‌گرفته و نیاز است ضمن گرامیداشت آن، برای اطلاع‌رسانی در خصوص گروه‌های خونی نادر به دارندگان این گروه‌های خونی اقدام شود.

در ۲۱ دی ماه سال ۱۳۹۲، کودکی با گروه خونی نادر در کشور شناسایی شد که برای ادامه حیات خود نیازمند خون از گروه خونی ویژه بود.

این کودک به دلیل نبود گروه خونی مختص خود با خطر مرگ مواجه شد که خوشبختانه سازمان انتقال خون ضمن تشخیص گروه خون وی، خون مناسب را برای این کودک تهیه کرد. شناسایی این گروه خونی نادر سبب شد تا روز ۲۱ دی ماه به نام روز خون های نادر نامگذاری شود.

اهدای خون، همچون اهدای عشق است و نور امید به زندگی را در دل افراد نیازمند به این فرآورده حیات بخش زنده نگه می دارد و چه بسا افراد بسیاری که در جدال با مرگ، با وجود این ماده گرما بخش پیروز شده اند و زندگی آنها تداوم دارد.

افراد بسیاری در سراسر جهان به علت در دسترس نبودن خون و فرآورده های خونی جان خود را از دست دادند و سردی خاک، گرمای خون موجود در رگ آنها را در بر گرفت. جاری بودن خون سالم در رگ ها، تضمین کننده حیات و اهدای خون، تبلور زیبای انسانیت و مهرورزی است و اکنون نیز بیماران بسیاری چشم انتظار گران بها ترین هدیه برای تداوم حیات هستند.

تصادفات، سوانح و بلایای طبیعی، اعمال جراحی، زایمان ها و بیماری ها از جمله موقعیت هایی است که ارزش وجود این مایع امید بخش احساس می شود و از همین رو، اهتمام ورزیدن در راستای فرهنگ سازی و نهادینه کردن این اقدام در جامعه، وظیفه هر انسان به عنوان سفیر اهدای عشق محسوب می شود.

ایران به عنوان تنها کشور مسلمان در جمع ۲۳ کشور عضو مجمع بین المللی خون های نادر در جهان است و در سال های اخیر توانسته است با شناسایی افرادی که در سراسر کشور دارای گروه های خونی نادر هستند، شرایطی را ایجاد کند که با ذخایر خون های اهدایی این افراد در سردخانه های پشتیبان کننده به بیماران با گروه های خونی در صورت نیاز کمک کند.

گروه های خونی نادر

افرادی که حداقل در گروه خونی اصلی (O)، A، B، (AB) قرار نداشته باشند در رده بندی گروه های خونی نادر قرار می گیرند. اهداکنندگان گروه های خونی نادر به دو گروه تقسیم می شوند، گروه اول (اهداکنندگان نادر) افرادی هستند که در خون آنها چند آنتی ژن منفی وجود دارد و گروه دوم (اهداکنندگان بسیار نادر) که از افرادی تشکیل شده است که یک آنتی ژن با شیوع بالا در خون آنها منفی است، افراد دارای گروه خون های نادر، افرادی هستند که مشابه خون آنها فقط در هر پنج تا ۱۰ هزار نفر جمعیت جغرافیایی جامعه موجود است.

گروه‌های خونی نادر گاهی به صورت تصادفی در بین اهداکنندگان خون شناسایی می‌شوند، عده‌ای از افرادی که دارای گروه‌های خونی نادر هستند نیز در بیمارستان‌ها به علت بیماری، سقط جنین، عمل جراحی یا برخی حوادث که نیاز به خون دارند اما برای تامین خون به اشکال بر می‌خورند، شناسایی می‌شوند. پس از شناسایی افراد دارای گروه خونی نادر تشکیل پرونده می‌شود، بعد از انجام تست‌های تکمیلی، این خون‌های اهدایی در بانک خون ذخیره تا در مواقع لازم برای بیماران و متقاضیان این گروه‌های خونی استفاده شود.

جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۸۹ به عضویت انجمن بین‌المللی خون‌های نادر دنیا درآمده و ایران به عنوان تنها کشور اسلامی عضو این انجمن است که دارای برنامه خون‌های نادر است.

در جهان تاکنون ۳۳۴ گروه خونی نادر شناسایی شده است، در دنیا حدود ۸۰ گروه خونی بسیار نادر و در ایران نیز ۱۸ گروه خونی بسیار نادر شناسایی شده است.

« ۲۲ دی ماه تشکیل شورای انقلاب به فرمان امام خمینی(ره) »

بیست و دوم دی سالروز تشکیل شورای انقلاب اسلامی به فرمان امام خمینی است؛ نهادی که با درایت و تدبیر رهبر انقلاب با هدف نهادینه کردن نظام جمهوری اسلامی و ساماندهی امور کشور ایجاد شد تا گشتی انقلاب اسلامی در توفان حوادث به ساحلی امن هدایت شود.

شورای انقلاب، نخستین و بنیادی‌ترین رکن قدرت سیاسی و عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری در کشور پس از رهبری بود که در ۲۲ دی ۱۳۵۷ خورشیدی با پیام امام خمینی (ره) موجودیت یافت و ساماندهی انقلاب، وارد آوردن آخرین ضربه‌ها به پیکر نیمه‌جان رژیم پهلوی و کمک به اداره کشور پس از پیروزی از اصلی‌ترین و کلی‌ترین اهداف این نهاد به شمار می‌رفت.

نهضت انقلاب اسلامی ایران با رهبری‌های هوشمندانه ی امام خمینی و حضور میلیونی ملت سرافراز به روزهای پیروزی خود نزدیک می‌شد؛ شهید مطهری از یاران نزدیک امام، با هدف پاسداری از دستاوردهای مبارزاتی انقلابیون لزوم شکل‌گیری شورای انقلاب اسلامی را در سفری به پاریس با امام خمینی مطرح و بزرگ معمار انقلاب با تدبیر و درایت بی‌نظیر خود، در بیست و

دوم دی ۱۳۵۷ هجری خورشیدی، فرمان تشکیل شورای انقلاب اسلامی را صادر کرد و بدین ترتیب ضربه‌ایی سخت بر پیکره‌ی رژیم پهلوی، وارد آورد.

هنگامه‌ایی که این فرمان به صورت رسمی اعلام شد، محمدرضا پهلوی آخرین تلاش‌های خود را برای حفظ حکومت انجام می‌داد و قدرت‌های بزرگ جهانی به دنبال یافتن راه حلی مسالمت‌آمیز برای برطرف ساختن این اعتراض مردمی بودند، اما آتش خشم مردم انقلابی ایران هر روز شعله‌ورتر می‌شد.

« ۲۴ دی ماه فتح خیبر (۲۴ رجب) »

در چنین روزی در سال ۷ هـ ق در جنگ خیبر قلعه خیبر به دست امیرالمؤمنین(ع) فتح گردید. این جنگ به واسطه پیمان شکنی یهودیان ساکن مدینه که بعدها به خیبر و شهرهای دیگر رفته بودند رخ داد. در حقیقت جنگ خیبر یک جنگ مذهبی نبود زیرا پیامبر هیچ گاه اهل کتاب را مجبور به تغییر آیین خود نکردند و جنگ خیبر تنها به دلیل پیمان شکنی یهودیان اتفاق به وقوع پیوست.

در این روز در سال ۷ هـ ق در جنگ خیبر مرحب به دست امیرالمؤمنین(ع) کشته شد و قلعه خیبر به دست آن حضرت فتح گردید و در بحار الانوار ۲۷ رجب روز فتح خیبر ذکر شده است. چون حضرت پیامبر(ص) به جنگ خیبریان رفت و قلعه قموص را محاصره کرد، ابتدا پرچم را برای مبارزه با آنان به ابوبکر دادند. ابوبکر با لشکری رفت، ولی چون نظر به پهلوانان آنان نمود فرار کرد و لشکریان هم در پی او بازگشتند. روز بعد پیامبر(ص) پرچم را به عمر داد و او هم از ترس کشته شدن به میدان جنگ نرسیده بازگشت.

پیامبر(ص) فرمودند: «فردا پرچم را به مردی می‌دهم که حمله‌هایش را تکرار کند، نه اینکه فرار کند. کسی که خدا و پیامبرش را دوست دارد و خدا و پیامبرش هم او را دوست دارند و خداوند خیبر را به دست او فتح می‌کند». همه اصحاب آرزو کردند که این مقام و منزلت به آنان واگذار شود.

فردای آن روز، پیامبر(ص) فرمود: علی بن ابی طالب(ع) کجاست؟ گفتند: چشم دردی دارد که حرکت برای آن حضرت مشکل است. خاتم الانبیاء(ص) فرمود: او را حاضر کنید. سلمه بن اکوع رفت و آن حضرت را آورد. پیامبر(ص) سر آن حضرت را در بر گرفت و از آب دهان مبارک به چشمان نورانی حضرت خاتم الاوصیاء علی مرتضی(ع) مالید و فرمود: «بار الهی،

زحمت گرما و سرما را از او بردار». پس از آن روز بر امیرالمؤمنین(ع) درد چشم عارض نشد و از گرما و سرما آزرده نگشت.

پیامبر(ص) زره خود را بر او پوشانید و ذوالفقار را بر کمر او بست و پرچم به آن حضرت سپرد و سوار بر مرکبش نموده فرمود: «جبرئیل از سمت راست، میکائیل از سمت چپ، عزرائیل از پیش رو و اسرافیل از پشت سر و نصرت خدا بالای سر و دعای من نیز از پشت سر تو است». فرمود: یا علی، مسلماتی را بر ایشان عرضه کن.

آن حضرت رفت و پس از موعظه و نصیحت عده‌ای برای جنگ با او آمدند. آنان دو نفر از مسلمانان را شهید کردند. امیرالمؤمنین(ع) بر آن‌ها تاخته و آن‌ها را کشتند. آنگاه برادر مرحب با عده‌ای آمدند. حضرت آن‌ها را هم به درک فرستاد.

مرحب که شجاع بود به خونخواهی آمد. امیرالمؤمنین(ع) چنان با ذوالفقار بر سرش فرود آورد که شمشیر از حلقش گذشت و او را دو نیم ساخت و به خاک انداخت. صدای تکبیر مسلمانان بلند شد. عده‌ای از یهود به دفاع آمدند و با مسلمانان به جنگ پرداختند. امیرالمؤمنین(ع) به مبارزه ادامه داد تا عده‌ای کشته شدند و عده‌ای به قلعه گریختند. آن حضرت با دست قدرتمند حیدری در قلعه را کند و برای مسلمانان معبر قرارداد تا از خند عبور کنند. حضرت چندین بار مسلمانان را از روی خندق به وسیله آن در عبور داد، با اینکه از سه روز قبل، آن حضرت گرسنه بود.

« ۲۵ دی ماه شهادت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام »

امام موسی کاظم(ع) امام هفتم شیعیان پس از تحمل سالها شکنجه و زندان، سرانجام به دستور هارون الرشید و به دست سندی بن شاهک مسموم و به شهادت رسید. به نقل بیشتر مورّخین، شهادت امام در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری قمری بوده است.

ایام خلافت امام کاظم(ع) با خلاف چهار تن از خلفای عباسی (منصور، مهدی، هادی و هارون) معاصر بود. ایشان از سوی تمام خلفای مزبور در رنج و عذاب بود و چندین بار از سوی آنان دستگیر و زندانی گردید. تنها در دوران خلافت هارون الرشید به مدت چهار سال (از شوال سال ۱۷۹ تا زمان شهادتش در سال ۱۸۳ قمری) در حبس و شکنجه بود.

هارون الرشید پنجمین خلیفه عباسی که دشمنی و ناسازگاری غیرقابل انکاری با فرزندان حضرت فاطمه (س) و اولاد و احفاد امیرمومنان(ع) داشت، در آزار و شکنجه سادات علوی و منتسبین به خاندان امامت و ولایت، کوتاهی نمی‌کرد. وی که از مستبدترین

حاکمان عباسی و جنایت‌کارترین آن‌ها است، وجود شریف امام موسی کاظم(ع) و مقام و معنویت وی و احترام مردم نسبت به او را تحمل نمی‌کرد و از این بابت بسیار ناراحت و عصبانی بود. سرانجام در رمضان سال ۱۷۹ قمری که برای مراسم عمره وارد مکه شد و سپس به مدینه رفته بود، در آن جا دستور داد امام موسی کاظم علیه‌السلام را دستگیر کنند.

مأموران هارون، امام موسی کاظم(ع) را در حالی که در کنار قبر جدش حضرت محمد(ص) به نماز و نیایش اشتغال داشت، دستگیر کرده و به نزد هارون بردند. هارون دستور داد، وی را در غل و زنجیر کرده و به سوی عراق حرکت دهند. وی برای سردرگمی مردم و پیشگیری از عکس‌العمل‌های احتمالی مردمی، دو محمل ترتیب داد و یکی را به سوی بغداد و دیگری را به سوی بصره روان داشت و امام موسی کاظم(ع) را در محمل بصره قرار داد.

مأموران حکومتی، در هفتم ذی الحجه همان سال، امام را تسلیم عیسی بن جعفر بن منصور دوانقی، پسرعموی هارون الرشید و حاکم وی در بصره نمودند. عیسی بن جعفر، آن حضرت را در یکی از حجره‌های خانه خویش محبوس کرد و در آغاز به وی سخت‌گیری نمود، ولی بعدها که عبادت و نیایش‌های درازمدت آن حضرت را از نزدیک مشاهده کرد، از سخت‌گیری خویش نسبت به آن حضرت کاهید و به هارون نامه نوشت که آن حضرت را از حبس خانه وی خارج کند؛ در غیر این صورت، وی خودش آن حضرت را آزاد می‌کند.

هارون، به ناچار امام را از حبس بصره خارج کرد و وی را به بغداد منتقل نمود و در خانه فضل بن ربیع، زندانی کرد. در آن مدت چند بار هارون از فضل بن ربیع درخواست کرد که آن حضرت را به شهادت رساند، ولی وی امتناع کرد و از این امر سرباز زد.

هارون، بار دیگر آن امام همام را از زندان فضل ربیع به زندان فضل بن یحیی برمکی منتقل کرد و از وی درخواست نمود که آن حضرت را به شهادت برساند. ولی فضل بن یحیی نیز امتناع نمود و در مقابل بر اعزاز و اکرام آن حضرت افزود. هارون که از رفتار فضل بن یحیی به خشم آمده بود، دستور داد وی را دستگیر و یک صد تازیانه بر بدنش بزنند و از تمام مناصب و مقامات برکنارش کنند.

سرانجام هارون ملعون، امام موسی کاظم علیه‌السلام را به زندان "سندی بن شاهک" منتقل کرده و دستور داد در آن جا وی را شکنجه و آزار نمایند. سندی بن شاهک با قساوت قلب و سنگدلی تمام با آن حضرت رفتار می‌کرد و پس از چندی شکنجه و آزار طاقت‌فرسا

به دستور هارون الرشید به آن حضرت، خرمای مسموم خورانید و وی را غریبانه و مظلومانه در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ قمری به شهادت رسانید.

قبر شریف امام موسی کاظم علیه السلام هم‌اکنون در کاظمین که عراقی‌ها آن را کاظمیه می‌گویند، قرار دارد و قبر فرزندزاده‌اش امام محمدتقی علیه السلام نیز در جوار وی می‌باشد و آنجا زیارتگاه شیعیان و شیفتگان مکتب اهل بیت علیهم السلام است.

« ۲۶ دی ماه فرار شاه معدوم سال ۱۳۵۷ »

۲۶ دی ۱۳۵۷ سالروز فرار خائنانه شاه و نقطه عطفی در گسترش نهضت اسلامی و پیروزی انقلاب اسلامی بشمار می‌رود، محمدرضا پهلوی اگر چه در آخرین مصاحبه خود، خاک ایران را به قصد استراحت و تجدید قوا ترک کرد، اما ملت ایران هرگز اجازه برآورده شدن رویای بازگشت وی به ایران را نداد. پس از ۲۶ دی درست ۲۶ روز تاریخی بر ملت ایران گذشت تا در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ انقلاب شکوهمند اسلامی که ثمره خون پاک شهدای انقلاب بود به پیروزی رسد.

۲۶ دی روز تاریخی برای ملت ایران بود، ملت ایران توانست طاغوت پر نخوت زمانه را که ۳۷ سال غاصبانه و به زور بر مال و منابع آن‌ها حکومت سراسر ظلم کرده بود مجبور به فرار کنند، شادی و شغف پس از شنیدن این خبر در سراسر ایران دیدنی بود، ملت ایران شاه ظالمی را که تا آن روز دست پلیدش به خون ملت پاک ایران آلوده شده بود را فراری داد و خاطره آن روز هرگز از ذهن ملت در پی سی ساله اخیر فراموش نشده است.

از آنجا که امام همواره بازگشت به ایران را منوط به خروج شاه از کشور اعلام کرده بود، فرار شاه برای ملت ایران یک گام روبه جلو بشمار می‌رفت و پس از خروج شاه در روزهای آخر دی ۱۳۵۷، هیمنه او و همه ایادیش را شکست و خبر بازگشت قریب‌الوقوع امام خمینی نیز در رسانه‌های خبری انتشار یافت و دیری نگذشت که امام آمد، ۱۲ بهمن تنها ۱۶ روز پس از فرار شاه، امام با پرواز انقلاب آمد...

با ورود امام امت به خاک ایران اسلامی، رژیم در وضعیت نامطلوبی قرار گرفته بود، در یک سو بختیار به عنوان نخست‌وزیر شاه، حتی از سوی جبهه ملی نیز رانده شده بود و امید چندانانی نیز به حمایت ارتش نداشت و در سوی دیگر خیل عظیم مردم، آتش انقلاب را

شعله‌ورتر می‌کردند و هر شهید در هر کوی و برزنی سندی بود بر تداوم راه و ایستادگی در مسیر.

ملت ایران تصمیم تاریخی خود را برای رسیدن به استقلال از سال‌ها پیش گرفته بود و یکصدا فریاد استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را سر داد، دیگر یاران امام در سال ۴۲ به فرزندان برومندی بدل شده بودند که با اعتقاد قلبی به رهبر و راه خود، گام‌های بلندی برای آینده ایران بردارند.

همان فرزندان برومندی که دو سال پس از پیروزی انقلاب با خون پاک خود، نهال نوپای انقلاب را در دفاعی ۸ ساله و نابرابر آبیاری کردند.

ملت ایران فریاد نه غربی نه شرقی سر داد و با تمسک به اراده الهی و سرمایه‌های معنوی خود و رهبری‌های هوشمندانه امام (ره) تا امروز راه خود را علیرغم تمامی تهدیدات پرتوان ادامه داده است.

« ۲۷ دی ماه مبعث حضرت رسول اکرم (ص) »

بیست و هفتم رجب ۱۳ سال قبل از هجرت، حضرت محمد (ص) از سوی خداوند برگزیده شد و نور ایمان و معرفت حق بر دل‌های انسان‌ها تابید تا مبعث پیامبر اکرم (ص) به عنوان فروغ ابدیت سرآغاز راهی شود تا انسان از شرک، بی‌عدالتی، تبعیض، جهل و فساد رهایی یافته و به سوی توحید، معنویت، عدالت و کرامت حرکت کند.

پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) در ۱۷ ربیع الاول، دیدگان مبارکش به جهان گشود آن حضرت قبل از مبعوث شدن به رسالت، هر ساله ماه‌های رجب، شعبان و رمضان را در غار حرا (کوهی در شمال مکه) به عبادت می‌گذراند و در چهل سالگی با ندای وحی الهی به پیامبری مبعوث شد.

امروز آخرین صبح دنیای جاهلیت کهنه است و نخستین فجر دنیای معنویت نو، فاصله باریک این ۲ دنیای کهنه و نو را شب ۲۷ رجب پدید آورده است؛ اول در وجود یک تن و سپس در کالبد میلیون‌ها آدمی. این یک تن همان حضرت محمد (ص)، آشنای صمیمی کوه حرا بود که می‌خواست با تاج رسالتی که بر سر می‌نهاد، فردا های تاریخ را به گونه ای دیگر رقم زند.

آن هنگام که پیامبر آخرین در بیست و هفتمین روز رجب به نجات انسان ها شتافت، گل های عاطفه از سرزمین دل ها روید، بذر ارزش ها در دشت تفتیده جان ها پاشیده شد و خردهای خفته، با بانگ بیدار باش نبی اکرم (ص)، طلوعی تازه گرفت.

مبعث، روز بیداری عاطفه هایی است که در خواب عظیم غفلت انسانیت آرمیده بودند، روز شکوفایی ارزش هایی است که قرن ها در خاک تیره جهل مدفون می شد، روز برانگیختن خردهایی است که در کابوس دهشت ناک هوس پرستی ها، خرافه گرایی ها و جهل پیشگی ها، پریشان گشته بود.

مبعث پیامبر خاتم (ص) پایان همه این تباهی ها و سیاهی ها، روز مرگ جهل ها و ابوجهل ها، روز خشکیدن شریان شرک و روز مرگ تمامی حقارت ها، شقاوت ها و قساوت ها بود. ۲۷ رجب، از جلوه های بی پایانی بود که شعاعش تا کرانه های ناپیدای زمان گسترش یافت. مبعث، فصلی بهاری در پهنه قرون بود که خداوند، محمد (ص) را هم چون گلی زیبا بر دامن رسالت نهاد و سرزمین بطحا را با فروغ چهره این خورشید، تابان کرد.

حضرت محمد (ص) آمد تا ظلمت جاهلیت را بزدايد، فطرت ها را برانگیزد و بشریت را به کمال رساند. دامنه بعثت آن مبعوث خاتم تا همیشه روزگار گسترده است و پرچم نامش، بر بام بلند گیتی در اهتزاز ابدی است.

شب بیست و هفتم ماه مبارک رجب بود که حضرت محمد (ص) در غار حرا مشغول راز و نیاز با خالق محبوب بود، که ناگهان صدایی شنید که خداوند سبحان به بنده برگزیده خود امر کرد: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ - و این آغاز رسالتی بزرگ بر دوش محمد مصطفی (ص) بود. او برگزیده، برگزیدگان خداوند شد.

رسول اکرم (ص) بعد از سه مرتبه با آن ندای آسمانی هم صدا شد و خواند، به نام خداوند رحمتگر مهربان، بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان را از علق آفرید، بخوان و پروردگار تو کریمترین [کریمان] است، همان کسی که به وسیله قلم آموخت، آنچه را که انسان نمی دانست [بتدریج به او] آموخت. اینگونه بود که با این نجوا و صدای آسمانی نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد.

پس از آن بود که پیامبر از سوی خداوند ماموریت یافت تا مردم را به دین اسلام دعوت کند، خویشاوندان و نزدیکان رسول اکرم (ص) نخستین کسانی بودند که به اسلام ایمان آوردند، حضرت خدیجه (س) همسر پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) نخستین کسانی بودند که با پیامبر (ص) بیعت کردند.

بدین ترتیب حضرت محمد مصطفی (ص) به عنوان آخرین فرستاده خداوند ماموریت یافتند تا در زمانی که مردم در تاریکی، نادانی و گمراهی غرق شده بودند، با دین اسلام راه راستین را روشن سازند، ایشان در طول سال های نبوت، سختی های بسیاری را برای ادای تکلیف خویش متحمل شدند اما لحظه ای از تلاش برای گسترش دین اسلام غافل نشدند و تنها هدف خویش را در هدایت انسان ها برای دستیابی به سعادت ابدی یافتند.

اینک سده ها است که مسلمانان ۲۷ رجب، سالروز بعثت حضرت محمد (ص) را گرامی می دارند و به درگاه پروردگار جهانیان برای ابلاغ رسالت پیامبری به محمد امین (ص) شکر گذاری می کنند. امروز است که باید از دل و جان فریاد زد که عید نجات عالم خلقت مبارک است، آوای وحی و لیلۀ بعثت مبارک است، عید نزول سوره اقرا به عقل کل و جشن کمال و علم و فضیلت مبارک است. پیامبر بزرگوار اسلام در روز ۲۷ ماه رجب سال ۴۰ عام الفیل (۱۳ سال قبل از هجرت) در غار حرا به پیامبری مبعوث شدند و در آن هنگام آیات نخستین سوره مبارکه علق بر ایشان نازل شد.

« ۲۷ دی ماه شهادت نواب صفوی، طهماسبی، برادران واحدی و ذوالقدر از فداییان اسلام »

سید مجتبی نواب صفوی در سال ۱۳۰۳ در محله خانی آباد تهران در یک خانواده متدین پا به جهان گذاشت. او سنین کودکی را در همان محله طی نموده و دوران تحصیل ابتدایی را در دبستان حکیم نظامی گذرانیده، سپس وارد دبیرستان صنعتی گردید و پس از مدتی به منظور تکمیل تحصیلات خویش از طریق اهواز، آبادان، بصره به نجف رفت.

شهید نواب صفوی بعد از شهریور ۱۳۲۰ نبرد مسلحانه را تنها راه رهایی خلق های مسلمان از دست استکبار پیشنهاد نمود و خود در این راه گام نهاد و گروه فدائیان اسلام را تاسیس نمود. فدائیان اسلام نه تنها از لحاظ تئوری مخالف رژیم سلطنتی استبدادی پهلوی بودند، بلکه در مرحله عمل نیز به جای تلف کردن وقت، یا هدر دادن یک گلوله در کشتن یک پاسبان یا ژاندارم - که خود انسان هایی مستضعف و برده نظام طاغوتی حاکم بودند - به اعدام انقلابی کسانی می پرداختند که وجود یا بقای آنها بر بنیاد حاکمیت و استقلال ملی - اسلامی ما لطمه می زد.

کسروی بنیانگذار مذهبی ضد شیعی، با ماهیت استعماری، هژیر وزیر دربار وقت و وابسته به انگلیس، ژنرال رزم آرا نخست وزیر استعمار و مخالف ملی شدن صنعت نفت و حسین

علاء قره، نوکر دربار و عامل پیوند ایران به پیمان نظامی بغداد (سنتو) از جمله کسانی هستند که به حکم دادگاه انقلاب اسلامی و به دست رزمندگان برومند اسلام و به فرمان مجاهد کبیر مسلمانان، شهید نواب صفوی مورد حمله واقع شده‌اند.

در تحلیل تاریخی و با تکیه بر اسناد به دست آمده جای تردیدی باقی نخواهد ماند که آغازگران نبرد مسلحانه در ایران، نه گروه سیاهکل بوده‌اند و نه دیگران، بلکه این ((فدائیان اسلام)) بودند که قبل از تولد رهبران گروه‌های مدعی و طلبکار، به نبرد مسلحانه دست زدند و تبلور تداوم آن، با اعدام انقلابی خائن دیگری به نام حسنعلی منصور (نخست وزیر وقت شاه و عامل احیای کاپیتولاسیون) به وسیله افراد باقیمانده فدائیان اسلام در سال ۱۳۴۲ نشان داده شد. بعد از اینکه مسئله پیمان بغداد و الحاق ایران به این پیمان نظامی امپریالیستی پیش آمد، قرار بر این شد که عامل این خیانت، یعنی حسین علاء- نخست وزیر و قره نوکر شاه- اعدام شود، و اجرای حکم را مظفر ذوالقدر به عهده گرفت، ولی در اقدام خود موفق نگردید.

علاء بلافاصله، برای اثبات نوکری هرچه بیشتر خود و اربابش شاه به امپریالیسم غرب، با سر باندپیچی شده عازم بغداد گردید، ولی برادر شهید عبدالحسین واحدی هم، همراه برادر دیگر از راه قم- اهواز، عازم بغداد شد تا حکم صادره را در بغداد به مرحله اجرا درآورد. شهید واحدی شب قبل از حرکت به اهواز، در قم و در مدرسه حجتیه ماندند و صبح زود برای زیارت به حرم رفتند و بعد راهی اهواز گردیدند. ایشان به هنگام ورود به اهواز شناسائی و دستگیر شدند و ایشان را به تهران منتقل نمودند. شهید واحدی در تهران، در دفتر تیمور بختیار- جنایتکار عامل امپریالیسم- و به دست خود او، به شهادت رسید. پس از آن شهید نواب صفوی و شهید محمد واحدی که در منزل آیت الله طالقانی به سر می‌بردند، بنا بر آنچه که مرحوم آیت الله طالقانی نقل فرموده: صبح زود از منزل خارج شدند و رفتند. و یک ساعت بعد، مامورین به منزل مرحوم طالقانی ریختند تا برادران را دستگیر کنند، ولی کسی را نیافتند!

سرانجام، شهید نواب صفوی و یارانش در منزل حمید ذوالقدر دستگیر شدند و پس از محاکمه نظامی- سفارشی، در صبحگاه ۲۷ دی ماه ۱۳۳۴ به دست دژخیمان شاه جلاد، تیر باران شدند.

شهید نواب صفوی به همراه یارانش: سید عبدالحسین واحدی، سید محمد واحدی، خلیل طهماسبی و ذوالقدر شربت شهادت نوشیدند.